حرکت بی‌صدای مه

قسمت اول

ایلیا موسایی| آن شب اصلا نمی‌بارید ولی هربار یادم می‌آید زمین راخیس می‌بینم وآسمان تاریک شبانه راپر ازابرهای تیره باحاشیه‌های نقره‌ای. حس می‌کنم روی شیشه ماشین قطره‌های باران می‌نشست ودرنور تیر چراغی که‌سر کوچه بود سربی‌رنگ می‌شدند ولی درواقع اصلا نمی‌بارید. شاید به‌خاطر حال بدفرامرز بودکه‌این‌طوری فکر می‌کنم. دمدمای غروب به‌من زنگ زده بودکه‌حالش بد است ومن سریع آماده شده بودم چون زنش میترا بیست روزی می‌شد که‌مرده بود. تاکسی اینترنتی گازش را گرفته بود ووقتی می خواست ازخروجی شیرازی خودش رابکشد بالا توی آفتاب خیابان، بایک هایس سفید پهلوبه‌پهلو شده بود ومستقیم خورده بود به‌لبه‌سیمانی وبعد گارد فلزی وآخر سر طوری کوبیده شده بود به‌دیواره بتنی که‌سر راننده له شده بود وجسد میترا وضعی داشت که‌نمی‌شد نگاهش کرد. دست راستش راچندمتر آن‌ورتر پیدا کردیم. حالا هم فرامرز هر موقع نفسش بند می‌آمد وطاقتش طاق می‌شد، زنگی می‌زد که‌بیا دوری بزنیم وتوی شهر تاب بخوریم. من باعجله راه‌پله‌ها رادوتایکی وسه‌تا یکی می‌کردم چون یک‌نفر ازطبقه سوم درآسانسور رابازنگه‌داشته‌اند. تاپایم راتوی پیاده‌رو گذاشتم۲۰۶دلفینی فرامرز راشناختم. دوتا بوق زد. روی شیشه بازخم شدم. گفتم: «ماشین گرفته‌ام که» گفت: «حتما باید بگم دکش کنی؟!» گفتم: «باشه.» ازراننده عذرخواهی کردم وبه‌خاطر معطل ماندنش یک‌چیزی گذاشتم کف دستش.

توی مسیرکه‌بودیم دنیانارنجی شدوهرچیزی‌که‌برق می‌زد، طلایی شده بود. یک دسته پرنده مثل دانه‌های شاهدانه ازجلویکی ازابرها می‌گذشتند. گفتم: «خوبی؟» جوابی نداد. چند دقیقه همین‌طور گذشت. توی این فاصله فقط یک آه کشیده بود. گفت: «یه‌چیزی پیدا کرده‌ام.» گفتم: «چی؟» بازساکت شد. بعدگفت: «میترابهم‌خیانت می‌کرده.» خواستم چیزی بگویم ولی زبانم بند آمده بود. فقط سرفه کوتاهی کردم. گفت: «ببین!» یک گوشی بامنگوله پشمالو راگرفت سمتم. گوشی رانگاه‌کردم. روی صفحه‌پیام بود. کمی پیام‌ها رابالا وپایین کردم. چندتایی راسرسرکی خواندم. بعد زدم روی عکس مخاطبی که«لادن» ذخیره شده بود؛ مردی بود باکلاه چهارخانه‌ای لبه‌دار. یک سبیل معمولی داشت ولای بوته‌گل نشسته بود که‌عکسش قشنگ وباکلاس دربیاید. تجربه‌می‌گفت فقط کچل‌ها ازاین مدل کلاه‌ها می‌گذارند. گفتم: «تو خوبی؟» گفت: «چرا؟» گفتم: «می‌گم خوبی؟» گفت: «پرسیدن داره؟» گفتم: «من تو همچین موقعیتی چی باید بگم؟» گفت: «به‌نظرت چرا بامن این کارو کرده؟» من به‌ابرهایی نگاه می‌کردم که‌به‌خورشید هجوم برده بودند وتلألو شعاع‌های نور ازبین آن‌ها شبیه یک انفجار طلایی بود. پرنده‌ها رفته بودند وهوا داشت تاریک می‌شد. گفتم: «من نمی‌دونم فرامرز.» گفت: «تو مگه رفیق دوران بچگی‌م نیستی... تو یه عمره منو می‌شناسی مجید.» بازهم حرفی نداشتم. بازهم فقط سرفه‌کوتاهی کردم. گفت: «توباید بدونی اگه من آدمی‌ام که‌چاله‌چوله دارم...» گریه‌اش گرفته بود. سریع زدکنار که‌بوق وداد چندتا ماشین بلند شد. گفت: «تو باید بدونی.» چشم‌هایش راباآستین پاک کرد. گفت: «مثل بوی دهن می‌مونه، همه می‌فهمن الا خودت، باید یکی باشه که‌بهت بگه.» گفتم: «من نمی‌دونم الان چی باید بهت بگم، دهنت بو نمی‌ده، یعنی من تاالان متوجه نشده‌ام.» بامشت زد به‌شانه‌ام وخودش پس رفت.

همان‌جا روی فرمان مثل توپی بود که‌کم‌باد شد وپنچر وشل‌وول روی فرمان وارفت. گفت: «میترا نیست که‌ازش بپرسم.» بعد یک لحظه انگار برقش گرفته باشد شق‌ورق به‌پشتی صندلی تکیه داد وسیگاری روشن کرد. یک پک زدوبی‌هوا پرتش کرد توی خیابان. دوباره همان‌طوری پنچر روی فرمان وارفت. مثل جانوری سوگوار ماغ کشید. من دست گذاشتم روی شانه‌اش. گفتم: «فرامرز» شانه‌اش بعد ازآن هق‌هق حالا آرام گرفته بود. گفت: «بریم سراغش؟» گفتم: «سراغ کی؟» گفت: «مرده.» گفتم: «مگه می‌دونی کجاست؟» گفت: «صبح بهش پیام دادم، گفتم یک بسته پستی دارین، آدرسش رو گرفتم.» گفتم: «شاید شماره عوض شده... شاید..» گفت: «کاری‌ت نباشه.» دوباره گازش راگرفت.

ادامه دارد

اهدای زندگی به یک هم‌وطن

شهرآرا| اهدای اعضای بیمار مرگ مغزی در دانشگاه علوم پزشکی مشهد، موجب نجات و ادامه زندگی یک بیمار نیازمند به‌عضو شد. مسئول واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: روز گذشته هزاروسیصدوبیستمین عمل اهدای عضو در بیمارستان منتصریه مشهد با موفقیت انجام شد. دکتر ابراهیم خالقی افزود: در این جراحی خداپسندانه قاسم ایزانلو، بیمار پنجاه‌وهفت‌ساله مرگ مغزی که‌از بیمارستان امام علی(ع) بجنورد به‌واحد فراهم‌آوری اعضای پیوندی در مرکز پیوند اعضای دانشگاه مشهد معرفی شد، با رضایت خانواده‌اش تحت عمل جراحی اهدای عضو قرار گرفت. خالقی ادامه داد: کبد زنده‌یاد قاسم ایزانلو برای پیوند به‌بیمارستان بوعلی‌سینای شیراز ارسال و جان یک بیمار نیازمند به‌عضو را نجات داد.

۳کشته در ۲تصادف شدید

ایرنا| رئیس پلیس راهور مشهد از وقوع دو فقره تصادف فوتی در ۲۴ساعت گذشته خبر داد. سرهنگ عباس عابدینی دراین‌باره توضیح داد: یکی از این سوانح در بولوار ۲۲بهمن رخ‌داد که‌در آن یک دستگاه موتورسیکلت با زنی جوان برخورد کرد. پس از واژگونی موتور، راکب و ترک‌نشین موتور از محل فرار کردند. دراین بین زن مصدوم که‌در خیابان رها شده بود، یک دستگاه خودروسواری با وی برخورد کرد و این شخص جانش را ازدست داد. رئیس پلیس راهور مشهد ادامه داد: در حادثه دیگر یک دستگاه خودروسواری در میدان جهاد با یک دستگاه موتورسیکلت برخورد کرد که‌راکب و ترک‌نشین موتور به‌دلیل شدت صدمات وارده جان خود را ازدست دادند.

شهرآرا
۴شنبه
۲۴ خرداد ۱۴۰۲
۲۵ذی‌القعده ۱۴۴۴
شماره ۳۹۶۳
SHAHRARANEWS.IR

خشم پنهان، جنایت عریان

در جست‌وجوی پاسخ به قتل‌های خشنی که این روزها از همیشه بیشتر شده است

محمدجواد ابوعطا

گزارش

یک ضربه یا درنهایت سه ضربه چاقو به سینه فردی بخورد، دیگر او را باید جزو اموات حساب کرد. فقط کافی است که یکی از ضربات به قلب برسد، در چنین شرایطی فرد قطعا زنده‌نمی‌ماند. اما بررسی وضعیت قتل‌های صورت گرفته از انتهای سال گذشته تا همین هفته، نشان می‌دهد که قاتلان هدفشان صرفا کشتن نبوده است و بلایی سر اجساد آورده‌اند که انگار هدف دیگری را دنبال می‌کرده‌اند. همچون پرونده «قتل با آسفالت خیابان» که متهم مدعی بود می‌خواسته از مقتول انتقام سختی بگیرد. یا جسد زنی جوان که هفته گذشته در انتهای بولوار امیریه کشف شد و قاتل یا قاتلان سرش را با بلوکه بتنی متلاشی کرده بودند. البته دو قتل بسیار خشن‌تر هم داشتیم یکی در انتهای سال گذشته که پسری جوان پس از کشتن پدر، امعاواحشای داخلی شکم را بیرون کشیده و قلب را خورده بود یا همین دو هفته پیش پسری جوان با ۴۴ضربه چاقو مادرش را کشته بود. اما در پس این جنایت‌ها، فرد جانی به‌دنبال چه بوده است و چرا چنین جنایت خشنی را مرتکب شده است؟

قاتلان با هم فرق دارند

پیگیری پرونده‌های قتل در مشهد از سوی دستگاه قضا برعهده قضات جنایی گذاشته شده است و این افراد به‌طور ویژه موضوع قتل‌ها را پیگیری می‌کنند. با این پیشینه، قطعا قاضی جنایی با توجه به یافته‌های خود در پرونده‌های مختلف، بهترین فردی است که‌می‌تواند پاسخگوی علت قتل‌های خشن باشد. به همین بهانه به‌سراغ قاضی محمود عارفی‌راد، بازپرس ویژه قتل دادسرای ناحیه۲، می‌رویم تا پشت صحنه پرونده‌های قتل‌های خشن را بررسی کنیم.

به گفته این مقام قضایی، قتل‌ها معمولا دوگونه هستند یا هیجانی‌اند یا برنامه‌ریزی‌شده. در قتل‌های هیجانی افراد معمولا بر اثر عصبانیت، نزاع و درگیری با چاقو یا ضربات سنگین، فردی را به قتل می‌رسانند، در این شرایط معمولا با جنایت خشن روبه‌رو نیستیم، هرچند گاهی ممکن است فرد در میانه نزاع چندین ضربه چاقو هم زده باشد، اما این به‌منزله قتل خشن نیست. قتل‌های خشن در دسته قتل‌های برنامه‌ریزی‌شده رخ می‌دهد و معمولا فرد بر اثر نفرت، انتقام‌گیری و... به قتل خشم اقدام می‌کند، همچون پرونده پسری که قلب پدرش را خورده بود.

نادانسته‌های اجتماعی

این بازپرس جنایی ادامه می‌دهد: در بررسی قتل‌های خشن، گاهی احساس می‌شود که فرد مشکلات روانی دارد، بنابراین جنون قاتل را بررسی می‌کنیم چون چنین قتل خشونت‌آمیزی از عهده یک دیوانه برمی‌آید، هرچند حس تنفر نیز یکی از عوامل دخیل در این پرونده‌هاست. قاضی عارفی‌راد درباره راهکارهای پیشگیری از حرکت جامعه به این سمت بیان می‌کند: نمی‌توان یک توصیه یک خطی در این زمینه داشت، چون این تصمیم به ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... مرتبط می‌شود و باید خانواده‌ها و افراد در تنظیم رابطه با یکدیگر، نحوه رویارویی با مشکلات و داشتن روابط سالم خانوادگی آموزش دیده باشند، وقتی یک پدر یا مادر نمی‌داند چطور مشکلات فرزندانش را بدون تنش و آسیب حل کند، همین برخورد اشتباه تبدیل به تنفر در فرزندان می‌شود، برای حل این موضوع نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت هستیم.

امان از ناکامی‌های کوچک

یک روان‌شناس با تأیید اظهارات مقام قضایی معتقد است که در روان‌شناسی، برای فردی که به‌طور خشن اقدام به قتل می‌کند، اصطلاح چندباره کشتن را استفاده می‌کنند، در این شرایط قاتل به‌خاطر ناکامی‌های پی‌درپی دچار خشم می‌شود و به‌نوعی این خشونت را به‌صورت قتل خشن بروز می‌دهد.

به گفته دکتر مهدی سودآوری، ناکامی معمولا از ابعاد کوچک شروع می‌شود؛ مثلا شما اگر به‌زور عروسک یک کودک را بگیرید او دچار خشم می‌شود ولی نمی‌تواند به شما آسیبی برساند. این موضوع در حوزه نیازهای عاطفی نیز وجود دارد، به طور مثال جوانی که از دختر مورد علاقه‌اش جواب رد شنیده باشد، مستعد اسیدپاشی بر روی دختر است.

این مدرس دانشگاه با اشاره به مبحث جابه‌جایی مقتول بیان می‌کند: گاهی فرد در طول زمان‌های مختلف در شرایط تحصیلی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با او تبعیض‌آمیز برخورد شده است، حالا که بزرگ شده و می‌تواند انتقام بگیرد، لزوما به‌سراغ مقصر اصلی نمی‌رود چون به او دسترسی ندارد. بنابراین به‌طور نمادین به‌سراغ افراد مختلف می‌رود، همچون حادثه حمله دو روز پیش به یک روحانی در مترو تهران که ضارب او را نماد مشکلات فرهنگی‌اش می‌داند یا اتفاقی که چند سال قبل در یکی از محله‌های افغانستانی‌نشین کرمان افتاد که تعداد زیادی کرمانی به‌دنبال مشکلات مختلفی که با آن دست‌وپنجه نرم می‌کردند بر سر یک خبر، به این محله حمله کردند.

اقتصاد سخت، قتل‌های خشن

وی ارتباط مشکلات اقتصادی با قتل‌های خشن و حتی زنجیره‌ای را یک ارتباط معنادار می‌داند و می‌گوید: اگر وضعیت اقتصادی خراب باشد، به‌همان اندازه تعداد و خشونت قتل‌ها نیز افزایش می‌یابد، به طور مثال در تحقیقی که در اوایل قرن بیستم در آمریکا انجام شد، هرگاه قیمت پنبه پایین می‌آمد و وضع اقتصادی کشاورزان بدتر می‌شد، تعداد قتل بردگان نیز افزایش می‌یافت و کشاورزان زورشان فقط به سیاه‌پوستان می‌رسید و از آن‌ها انتقام می‌گرفتند.

یک پیش‌بینی تکان‌دهنده

این روان‌شناس با اشاره به انجام تحقیقاتی که در یکی از کانون‌های اصلاح و تربیت صورت گرفته و مشخص شده است که ۶۰تا ۷۰درصد مددجویان این مرکز، بعد از خروج از آنجا به زندان می‌افتند، تصریح می‌کند: معمولا بیشتر قاتلان امروز بین بیست‌تا چهل‌ساله هستند، یعنی متولدان دهه‌های شصت و هفتاد، حالا وضعیت اقتصادی آن سال‌ها بهتر از حالا بوده است، اما کودکان خانواده‌های فقیر، بدسرپرست و... امروز، ۱۰تا ۱۵سال دیگر به سن انتقام‌گیری می‌رسند و در آینده با یک بمب ساعتی عجیب و خطرناک از قتل‌ها و جرائم روبه‌رو خواهیم شد، مگر اینکه بهزیستی و خیریه‌های مرتبط با آن، از همین حالا زیر پروبال این کودکان را بگیرند و آن‌ها در جامعه دیده شوند.



یکی از صحنه‌های جنایت در مشهد که در آن زنی جوان به‌قتل رسید

قمه‌کش‌های گوشی‌قاپ به دام افتادند

خبر

کوچک‌زاده| ده‌ها شهروند مشهدی در ماه‌های گذشته، تجربه یکسان و دل‌خراشی داشته‌اند که احتمالا حتی فکرکردن به آن هم ترس به وجودشان خواهد انداخت. وقتی در خیابان یا محل زندگی خودت در حال رفت‌وآمد باشی و ناگهان مثل اجل‌معلق بریزند روی سرت، چاقو بکشند، قمه نشان بدهند و با خشونت بر سرت فریاد بزنند و برای گرفتن گوشی همراهت، دست‌درازی کنند! آن‌گاه مگر چاره‌ای به‌جز تسلیم باقی می‌ماند؟! توصیه پلیس هم به‌شهروندان همین است که در مقابله با کیف‌قاپ‌ها و سارقان گوشی همراه مقاومت نکنید. حالا اما فرمانده انتظامی شهرستان مشهد از دستگیری دو زورگیر خبر داده است که خون شهروندان مشهدی را در شیشه کرده بودند.

سرهنگ احمد نگهبان دراین‌باره گفت: در پی گزارش زورگیری‌های سریالی تلفن همراه شهروندان توسط دو جوان موتورسوار در محدوده منطقه سیدی و گاراژدارها، پرونده‌ای در اداره مبارزه با جرائم خشن پلیس آگاهی مشهد تشکیل شد که در طی آن مال‌باخته‌ها اظهار کرده‌اند که در ساعات خلوت صبح و عصر و در تقاطع‌ها از آن‌ها سرقت شده است. سرقت‌هایی که در صورت مقاومت به‌خشونت کشیده می‌شد و متهمان چاقو می‌کشیدند و آن‌ها را مورد ضرب‌وجرح قرار می‌دادند.

رئیس پلیس مشهد افزود: تحقیقات کارآگاهان پلیس آگاهی برای چهره‌نگاری این افراد ادامه داشت تا اینکه حوالی ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه سیزدهم خردادماه، هنگام گشت‌زنی نامحسوس پلیس در تقاطع خیابان جمهوری در خیابان کوشش، سارقان که با یک دستگاه موتورسیکلت با پلاک مخدوش در حال زورگیری تلفن همراه مردی جوان بودند، شناسایی و در طی تعقیب و گریز با پلیس، دستگیر شدند.

سرهنگ نگهبان ادامه داد: در بازرسی از دو راکب موتورسوار، چهار دستگاه گوشی تلفن همراه هوشمند، ۲میلیون تومان وجه نقد و یک‌تیغه قمه ۳۰سانتی‌متری آغشته‌به‌خون کشف‌شد. در بازرسی مخفیگاه متهمان در یکی از روستاهای جاده سرخس نیز دودستگاه موتورسیکلت و چهار دستگاه تلفن همراه هوشمند مسروقه کشف و ضبط شده است. اما آن‌طور که سرهنگ نگهبان بیان کرده است، متهمان که‌فقط ۲۱ و ۲۲سال دارند، در بازجویی‌های پلیسی درمجموع به ۷۴فقره زورگیری تلفن همراه و چهار فقره زورگیری موتورسیکلت اعتراف کرده‌اند. زورگیری‌هایی که‌در محدوده‌های شهرک‌غرب، بولوار وکیل‌آباد، سیدی، گاراژدارها و طلاب اتفاق افتاده‌اند. متهمان همچنین اعتراف کرده‌اند که پس از سرقت گوشی‌های همراه، آن‌ها را به یک تبعه خارجی در محدوده خیابان پنجتن فروخته‌اند. بدین‌ترتیب با هماهنگی قضایی، مال‌خر سی‌وهشت‌ساله نیز دستگیر و در بازرسی از مخفیگاهش شش‌دستگاه تلفن همراه مسروقه کشف شده است.

عکس خبر

انبار هزار متری زیر آتش سنگین

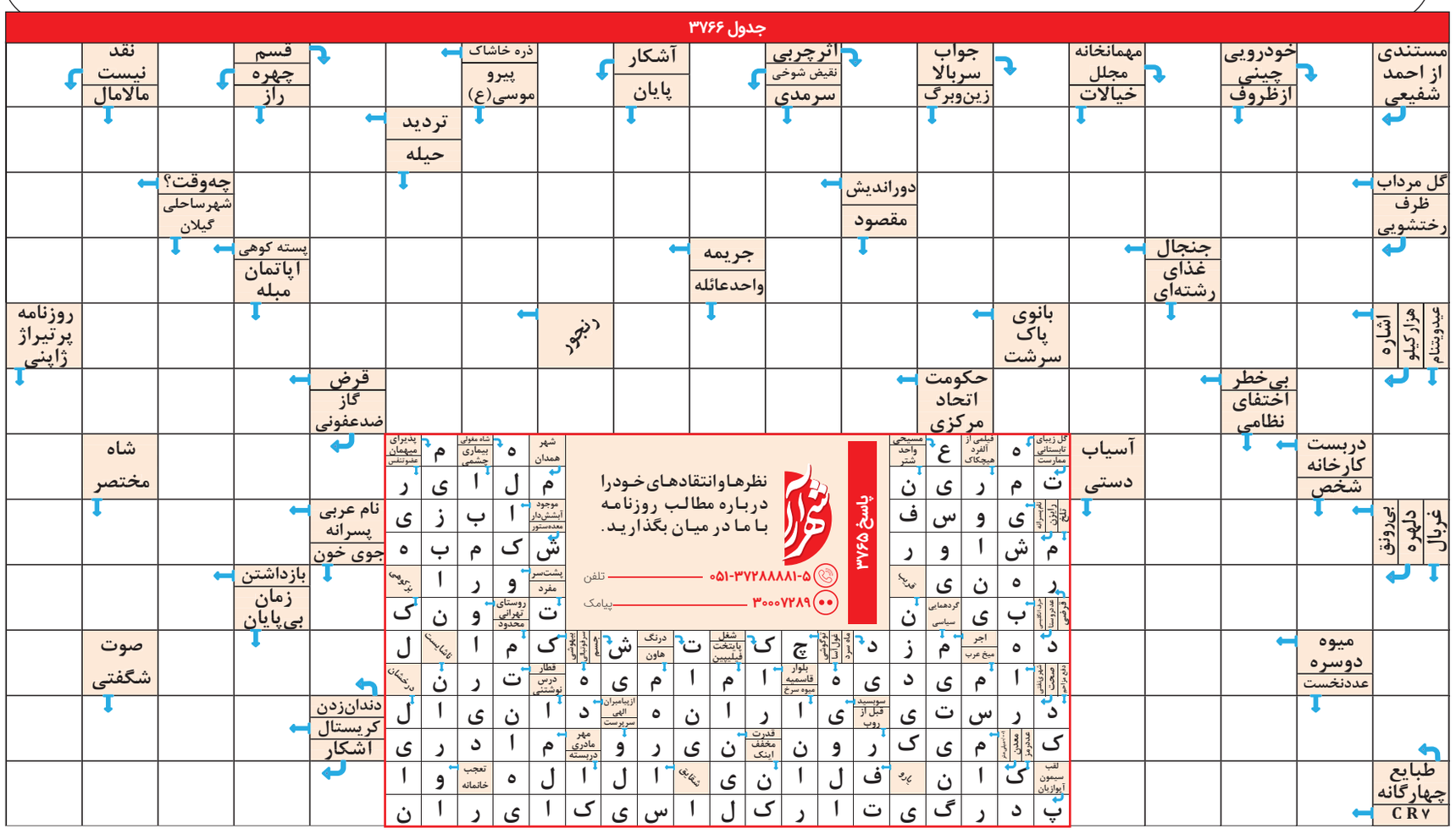
قرآنی| عملیات نفسگیر آتش‌نشانان پنج‌ایستگاه برای مهار حریق مهیب یک انبار ضایعاتی در مشهد با مهار کامل حادثه خاتمه یافت. عملیاتی که در آن ۳۵آتش‌نشان از ایستگاه‌های ۴۲،۸،۱۵،۶،۲۹ به محل اعزام شده بودند. این حادثه در انتهای بولوار پنجتن مشهد رخ داد که انبار ضایعاتی به مساحت هزار و ۱۰۰مترمربع طعمه حریق شد. به گفته سرآتشیار حسن یاوری، افسر نگهبان سازمان آتش‌نشانی مشهد، خوشبتانه در این حادثه به کسی آسیبی نرسید و آتش‌نشانان پس از شش ساعت عملیات نفسگیر موفق به مهار کامل حریق شدند. علت حادثه نیز در دست بررسی است.







جدول ۳۷۶۶



پاسخ ۳۷۶۵

نظرها و انتقادهای خودرا درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹